

تحلیلی بر روایات عاشورایی قمقام زخار و صمصام بئار

دکتر محسن رفعت^۱

چکیده

بازتاب مقتل الحسین (ع) در کتاب قمقام زخار و صمصام بئار با وجود مشابهت‌هایی که با دیگر گزارش‌های عاشورایی دارد، دارای تفاوت‌هایی با دیگر مقتل‌ها است که واکاوی و بازخوانی آن را ضروری می‌سازد. از آنجا که قمقام زخار از سوی چهره‌ای سیاسی در عهد قاجار نگارش شده است، می‌تواند منشأ اثر برای جامعه علمی و عمومی تلقی شود. اخبار منفرد این کتاب درباره عاشورا، در برخی موارد با وقایع حتمی و گزارش‌های تاریخی ناسازگار است و در مواردی می‌تواند اساسی برای سخن علمای شیعی و یا سنی در قرن‌های بعد شده است. در این مقاله تلاش می‌شود با روش کتابخانه‌ای و رویکردی تحلیلی، پس از ارزیابی شخصیت نویسنده و توضیحاتی درباره کتاب وی، گزارش‌های قابل توجهی که نخستین بار در این کتاب آمده است، واکاوی شوند.

کلیدواژه‌ها: فرهاد میرزا، معتمد الدوله، قمقام زخار و صمصام بئار، امام حسین (ع)، روایات عاشورایی، تحریف.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه حضرت معصومه (ع) (mohsenrafaat@gmail.com)

نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) واقعیتی انکارناپذیر در رأس هویت بخشی و اصالت دادن به فرهنگ امامیه است. صرف نظر از مراجعه به روایات صریح معصومان (ع) درباره این واقعه، عظمت و سترگی این رویداد مهم را می توان با تحلیل زمینه ها، چگونگی، چرایی و پیامدهای وقوع آن بررسی کرد و از آن مشق گرفت. انگیزه های فردی، سیاسی و اجتماعی فراوان برای تحریف حادثه عاشورا از ابتدای این نهضت، سبب ورود انبوهی از اخبار و روایت در کتب تاریخی و حدیثی شد که پالایش آنها آسان نبود. از این اسباب مهم می توان به استقرار حاکمیت استبدادی و جعلی اموی بر سرزمین های اسلامی برای مدتی طولانی اشاره کرد؛ حاکمیتی که برای استقرار و استمرار نظام خود، احادیث نبوی را جعل و وقایع تاریخی را تحریف کرد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۱۰۴۸)

یکی از وقایع تاریخی که از ابزار تدلیس و تحریف حاکمیت بنی امیه در امان نبوده، قیام امام حسین (ع) است که تلاش های فراوانی شد تا این قیام کم رنگ و امام (ع) ناحق جلوه کنند.

ورود احادیث صحیح آمیخته به سقیم و نقل قول ها و نگاه شده های متعارض و متناقض که گویی نهضت عاشورا لایه لای اینها تنیده و مخفی شده، سبب می شود نتوان با قاطعیت در مورد آن سخن گفت. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: صحتی سردرودی، ۱۳۸۶: ۲۳-۱۲۴) همین امر سبب شده که از ابتدای واقعه کربلا تا کنون، دو حوزه متضاد جبهه تحریف کننده و مخالف تحریف در برابر هم قرار گیرند، تا جایی که جدا شدن آنها از هم دیگر ناممکن می نماید؛ دو جبهه ای که برای عملکرد خود دلایل مختلفی دارند. (ر.ک: صحتی سردرودی، ۱۳۸۶: ۱۱۵۶۰)

هدف این مقاله، تحقیق جوانب مواجهه با نهضت عاشورا و بررسی راهیابی تحریف در سازوکار مورخان، با محوریت مطالعه موردی روایات عاشورایی فرهاد میرزا در کتاب قمقام زخار است. باید اذعان کرد که در حال حاضر در متن شماری از مقاتل اصلی که فراروی ما قرار دارند - که می توان تعداد آنها را از آغاز تا پایان، حدود چهل مقتل



دانست^۱ - مباحثی وجود دارد که یا از حیث سند مورد خدشه و تأمل اند یا از جهت متن و دلالت با قیام و انگیزه امام حسین (ع) منافات دارند. یکی از این کتب تاریخی - روایی، قمر زخار و صمصام بٹار نوشته فرهاد میرزا از رجال سیاسی عصر قاجار است. آنچه در پی می آید جستاری است درباره قسمتی از تحریفات این کتاب در حوزه احادیث که در مورد امام حسین (ع) ثبت شده است.، ضمن آنکه رویدادهای تاریخی آن را با سنجه‌هایی چون دلایل قرآنی، حدیثی، شواهد تاریخی و عقلی نقد و بررسی کرده‌ایم.

پیش از این تحقیق، درباره روایات کتاب، یعنی روایات عاشورایی کتاب قمر زخار با مختصات و شرایط مذکور، مقاله یا کتابی تدوین نشده است. اما به صورت عمومی مقاله قمر زخار در تاریخ واقعه کربلا از عبدالرفیع رحیمی در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا سال ۱۳۸۳ شمسی اشاره کرد که صرفاً به معرفی کتاب و فصل‌های آن پرداخته است.

۱. فرهاد میرزا، شخصیت و تألیفات

حاجی فرهاد میرزا معتمد الدولة فرزند نائب السلطنة عباس میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار متولد جمادی الاول ۱۲۳۳ هجری و پدرش عباس میرزا متوفی ۱۲۴۹ و لیعهد فتحعلی شاه می‌باشد. (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۷/۱۷۱؛ امین عاملی، ۱۴۰۳: ۸/۳۹۷) وی ادیبی است فاضل و مورخ کامل، جامع فنون بسیار، از فحول فضلا و ادبای نامی عهد ناصرالدین شاه قاجار که در تاریخ و جغرافیا و حساب و نجوم و هیئت و هندسه و لغت [زبان] انگلیسی و فنون دیگر آثار بسیاری دارد که تماماً طبع شده و حاکی از تبحر و کثرت وی هستند (مدرس، ۱۳۶۹: ۵/۳۳۱ - ۳۳۲). از عنفوان جوانی علاقه‌ای وافربه کسب مهارت و دانش داشت و همین امر باعث آن گردید تا به مورخی کامل و دانشوری بزرگ در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار مبدل شود. پس از مرگ پدر و در دوران حکومت محمدشاه،

۱. گفتنی است این چهل مقتل علاوه بر کتب تاریخی دسته اول، کتب مناقب و مانند آن را در برمی‌گیرد؛ برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: رحمان ستایش، ۱۳۸۹: ۸۱.

وی مأمور حفاظت از مرزهای فارس و عراق شد و با کاردانی و مدیریت منطقی، نظمی کامل در آن مناطق برقرار کرد. در لرستان و نواحی دیگر نیز گروهی از سرکشان را برانداخت. در سالهای ۱۲۵۲ و ۱۲۵۵ در غیاب محمدشاه نایب السلطنه بود. در سال ۱۲۵۷ حکمران فارس شد. در سال ۱۲۹۰ که ناصرالدین شاه عازم فرنگ بود او را به نیابت سلطنت در تهران گذاشت. (معتمد الدولة، ۱۳۹۱: مقدمه، ۱) وی در غیاب ناصرالدین شاه با علمای بزرگ تهران مثل حاجی ملاعلی کنی با دستگیری مأمورین روسیه توطئه‌ای بر ضد سپهسالار ترتیب داد و موفق شد که شاه را به عزل سپهسالار وادار کند ولی خود او متهم شد که با انگلیسی‌ها مربوط است به همین جهت مورد بی‌مهری شاه قرار گرفت. پس از چندی اجازه گرفت که به مکه سفر کند. پس از بازگشت به حکومت فارس رسید. او در سن هفتاد و دو سالگی در سال ۱۲۹۸ هجری بقعه مبارکه‌ی کاظمین را تعمیر و مناره‌ها را مطلقاً کرد و عمرش به همین خدمت اسلامی و تألیف کتاب قمقام به پایان رسید (مدرس، ۱۳۶۹: ۳۳۲/۵). یک سال بعد از مرگش، جنازه‌اش را از تهران به کاظمین منتقل کردند و در مقبره‌ی مخصوص به مقبره‌ی فرهادیه در باب شرقی کاظمیه که معروف به باب المراد است مدفون گردید.^۱

فرهاد میرزا پس از طلاکاری بقعه‌ی کاظمین به تألیف کتاب قمقام زخار پرداخت که شامل شرح زندگی و مقتل حضرت سیدالشهداست که محصول دینی، ادبی و تاریخی عصر قاجار محسوب می‌شود. کتاب‌های دیگری از وی برجای مانده است. جام جم در جغرافیا،^۲ زنبیل که به سبک کشکول نوشته شده،^۳ کنز الحساب که شرح خلاصه الحساب شیخ بهایی است، نصاب انگلیسی، منشآت و هدایة السبیل^۴ که شرح یکی از مسافرت‌های او است.^۵

۱. (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۱۷؛ مدرس، ۱۳۶۹: ۳۳۲/۵)

۲. (معتمد الدولة، ۱۳۹۱: مقدمه، ۱)

۳. آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۲۴/۵)

۴. (همان، ۵/۱)

۵. (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۸۹/۱۲؛ ۱۵۰/۱۸)

۶. (معتمد الدولة، ۱۳۹۱: مقدمه، ۱)

۲. ویژگی‌های قمقام زخار و روش تاریخ‌نگاری فرهاد میرزا

کتاب فرهاد میرزا یکی از مقتل‌های فارسی است که به دلیل نقل از منابع معتبر و دقت در نقل مورد توجه خادمان امام حسین (ع) بوده، کتاب قمقام زخار و صمصام بتاردر احوالات حضرت مولی‌الکونین ابی‌عبدالله‌الحسین (ع) است. اما در میان پژوهشگران کمی مهجور مانده است، شاید یکی از دلایل کم‌توجهی به این کتاب انتساب نویسنده به خاندان قاجار است. فرهاد میرزا در مقدمه ضمن اشاره به اینکه از جوانی آرزوی نگارش «کتابی خالی از حشو و زواید در احوال خجسته‌مآل آن حضرت من‌الولادة إلی‌الشهادة...»^۱ داشته، به ستایش پروردگار و ذکر منقبت پیامبر (ص)، امیرمؤمنان (ع) و سایر ائمه (ع) و بیان شمه‌ای از معرفت به علم تاریخ پرداخته است. فرهاد میرزا در وجه تسمیه کتاب به قمقام زخار و صمصام بتار می‌نویسد: «این کتاب را که شناوران لجه معرفت را بحری است زاخرو دلاوران عرصه‌ی محبت را سیفی است باتر، قمقام زخار و صمصام بتار نام نهادم که لفظ با معنا و اسم با مسمی مطابق باشد.»^۲

درباره انگیزه نگارش فرهاد میرزا خود نوشته است در سفری دریایی کشتی وی مابین قبرس و رودس دچار طوفانی شدید می‌شود و امواج متلاطم دریا سبب ناامیدی از بازگشت به وطن می‌شود، وی می‌نویسد: «حالی دست توصل به دامن اهل بیت عصمت و طهارت زده اعاده نذر نمودم که اگر از دهر فرصتی و در عمر مهلتی باشد این خدمت را به پایان آرم و از آن جوهر تابناک یعنی تربت پاک حضرت امام شهید غریب صلوة الله و سلامه علیه به دریا ریختم همان‌گاه دریا آرام یافته و امواج از ثوران و هیجان بیفتاد و لطیفه و جرین بهم بریح طیبیه پدیدار آمد و در ضمان عنایت حضرت باری تعالی به عافیت و سلامت به وطن رسیدم» (معتمدالدولة، ۱۳۹۱: ۱۶) به خاطر دغدغه‌ها و مشاغل فراوان فرصتی جهت ادای نذرش فراهم نشد تا اینکه پس از به دست دادن فرصتی شروع به نگارش کتاب می‌کند (همان).

۱. (همان، ۵)

۲. (همان، ۹)

می‌توان کتاب را به این محورها تقسیم نمود: امویان و مسائل مربوط به معاویه و امام حسن (ع)، جلوگیری از سلاطین بنی‌امیه از نشر فضائل اهل بیت، پرداختن به احادیث جعلی، یزید و حکومت وی، حرکت امام حسین (ع) به سمت کوفه، آثار شهادت امام و اهل بیت و مناظرات ایشان با دشمن، شهادت برخی از شیعیان در دفاع از امام حسین (ع) و عاقبت برخی از قاتلان، ذکر نامه‌نگاری‌های متعدد با یزیدیان از طرف ابن زبیر و ابن عباس، دعوت توابین، قیام مختار، عباسیان و رفتار آن‌ها با مرقد امام حسین (ع).

مؤلف قصایدی را در مورد امام حسین (ع) از سید حمیری، فرزدق، سلیمان بن قبه، نجاشی، هند بنت زید الانصاریه، طرمح بن عدی، عبیدالله بن حرورج‌هایبی از اصحاب حضرت در کربلا ذکر می‌کند (همان، ۵۷۵-۶۰۵). او در نقل مطالب تاریخی مقلد صرف نبوده و اهتمام داشته که برخی از نقل‌های تاریخی را محققانه پاسخ گوید و یا در موارد تعارض اقوال به شهرت یا اصح روایات نقل تمسک جوید (همان، ص ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۸۵، ۳۱۳، ۳۲۳، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۲، ۳۶۳، ۳۶۵، ۴۴۵) و یسار مواردی به تحلیل وقایع تاریخی پرداخته (همان، ص ۳۴۸، ۳۵۲، ۴۴۱، ۴۶۳، ۴۶۴) یا در مورد تاریخ ولادت امام حسین (ع) که پس از کنار هم قرار دادن اقوال مختلف تاریخ آخر ماه ربیع الأول را برمی‌گزیند (همان، ص ۳۲؛ یا توضیح در مورد «لقد وطیء الحسنان و شق عطفای»: ص ۳۹-۴۰) و یا درباره‌ی حضور ام کلثوم در کربلا، وی را دختر حضرت زهرا (س) ندانسته، بلکه او را از زن امیرمؤمنان (ع) یعنی ام سعید دختر عروه بن مسعود ثقفی معرفی می‌کند (همان، ص ۳۸۷-۳۸۹). از مطالب مبسوط کتاب فرهاد میرزا پرداختن به قیام توابین و قیام مختار است (همان، ص ۵۲۹-۵۵۹). ذکر رفتار عباسیان به ویژه جریان ویرانی کربلا به دست متوکل عباسی از دیگر مطالب کتاب است (همان، ص ۵۶۰).

از دیگر ویژگی‌های کتاب قمقام استفاده فراوان و مستمر از کتاب‌های معتبر و منابع اهل سنت و شیعه است که این امر بر غنای کتاب افزوده و نویسنده بدون حبّ و بغض و دخل و تصرف عین عبارات منابع را گاه به متن عربی و البته بدون ترجمه مختصر نقل کرده است.^۱ منابعی مانند الکافی، (همان، ۳۰، ۲۰۱) تهذیب الأحکام، (همان، ۳۰)

۱. البته در منبع این تحقیق از نسخه‌ای استفاده شده که ترجمه‌ی اشعار و عبارات نیز اضافه گردیده است.

الارشاد، (همان، ۲۹، ۳۲) لهوف، (همان، ۳۲) شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، (همان، ۱۳، ۷۰) العقد الفرید ابن عبد ربّه، (همان، ۱۳، ۳۱) تذکرة الخواص،^۱ علل الشرائع، (همان، ۳۰) الأمالی صدوق (همان، ص ۳۱) و... .

فرهاد میرزا در جای جای کتاب و در معرفی کتاب‌ها و شناخت مؤلفان به چند طریق ارادت خود را به زعمای بزرگ شیعه نشان می‌دهد، مانند اینکه گاه به روش آنان یا گفتار آنان تأسی می‌کند و یا بیشترین توضیح را در شرح حال آنان در باب کتاب‌شناسی به دست می‌دهد.

نویسنده با تبحر خاصی که در ادبیات داشته، در سرتاسر کتاب از امثله، اشعار و ضرب المثل‌های عربی و فارسی بهره برده است. هم‌چنین از دیگر ویژگی‌های کتاب را می‌توان بیان و توضیح و تصحیح اسامی، رجال، اماکن، لغات، مشکلات و امثال است و نویسنده کوشیده به قدر کافی اطلاعات لازم را در اختیار خواننده قرار دهد (برای مطالعه‌ی بیشتر رک: رحیمی، ۱۳۸۳).

۳. فرهاد میرزا و واقعه کربلا

ارادت و علاقه‌ی بی‌شمار فرهاد میرزا به خاندان اهل بیت سبب نشده تا او به مانند کسانی مثل کاشفی، دربندی و... به نقل اخبار بحث برانگیز بپردازد؛ وی جانب تحقیق در این زمینه را فراموش نکرده و با تحلیل‌های متعدد نسبت به منابع هرگزارشی، سعی خود را بر ارائه‌ی مطلبی معقول و متناسب با اخبار معتبر و معتمد مصروف داشته است. گرچه نگاه وی به عاشورا فراتاریخی و فراطبیعی است و جنبه‌ی اصلاحی آن را در نظر خود مجسم کرده، اما روایات مورد توجه او نیز همچون محدثان قرن چهارم و پنجم وابسته به عقاید آن‌ها شکل گرفته است. رویکردی که به واقعه‌ی عاشورا نیز داشته رویکردی عاقلانه و درخور تمجید است، گویا وی تشیع خود را برخاسته از معقول‌نگرانی مانند شیخ مفید و... گرفته و به هر مطلبی که حاکی مناقب و فضائل است نگاهی نقدآمیز داشته است. با این حال کتاب وی، از مواردی مشکوک تحریفی هم چون منابع پیشین مصون نیست.

۱. همان، ۷۷، در موضعی نام کتاب را «تذکرة خواص الأئمة» ذکر کرده است: ۱۱۸

بعد نگرستن غیرطبیعی به عاشورا از سوی فرهاد میرزا مانند دیگر مورخان و محدثان شیعی سبب شده اخباری غیرمعقول را به نقل از دیگر منابع در اثر خود گرد آورد و علی رغم دیدگاه نقادش از نقد آن روی گرداند.

تمسک به روش ابن اعثم و نقل مطالبی بسیار از او سبب شده نگارش به سبک زبان حال در حدّ تقریباً قابل توجهی در اثر او نمود داشته باشد. (همان، ۳۲۵) [درخواست علی اکبر مبنی بر تشنه شدن و طلب آب از امام حسین (ع)]، گرچه فرهاد میرزا در مواردی به فضائل و مناقب اهل بیت اشاراتی جزئی دارد، اما با توجه به روحیه‌ی سیاست‌مدارانه‌ی نویسنده می‌توان سبک نوشتاری او را با دیگر شیعیانی که با اندیشه‌ی ایجاد احساس شور و عاطفه به تألیف مقاتل مشغول شدند جدا ساخت، زیرا - چنان که در مقدمه متذکر شده - وی با هدف اولاً ذخیره‌ای برای آخرت خویش و ثانیاً برای تجمیع اقوال مختلف در این زمینه به نگارش کتاب پرداخته است. به هر حال با توجه به مطالب پایانی کتاب و نقل احادیثی در فضیلت و ثواب گریه و مرثیه‌خوانی و نیز اشعار عربی و فارسی جانسوز از شاعرانی مانند دعبل یا دوازده‌بند محتشم کاشانی، وصال شیرازی و... (همان، ۵۶۰ - ۶۰۵) رویکرد کلی او را تا حدودی عاطفه‌گرایانه دانست، اما منبع‌گرایی مؤلف بر اساس منابع متقدم مانند الارشاد و تذکرة الخواص را نباید از یاد برد. یعنی گرچه وی با تکیه به این رویکرد کتاب خویش را سامان داد، اما این رویکرد با توجه به چنین منابعی رخ نموده نه منابع متأخر که این رویکرد در آن‌ها حاکم است، بلکه وی با توجه سیر تاریخی مدون معتبر و البته معقولانه این رویکرد را برای خود برگزیده است.

۴. مطالب غیر واقعی و تحریفی قمقام زخّار

۱. سپردن ودیعه‌های امامت به فاطمه بنت الحسین (ع)

فرهاد میرزا در موضعی می‌نویسد: «... ابی جعفر (ع) گفت: چون حسین (ع) را آن حادثه پیش آمد و بیرون خواست شد به جنگ، دختر خویش را بخواند، دختر بزرگ‌تر فاطمه بنت الحسین بود. صحیفه به وی سپرد و وصیت ظاهر کرد و وصیت پوشیده، وصیت ظاهر و داع بود و تسلیم صحیفه و وصیت پوشیده آن بود که صحیفه به علی زین

العابدین دهد، اما به وقت خویش، اگر علی را چیزی باید که بیند هم درپیش فاطمه می‌کند و ازپیش فاطمه بیرون نبرد تا آن گاه که او از دست دشمن بیرون رود، آنگاه با دست خویشتن گیرد، چون علی زین العابدین از دست بنی امیه بیرون آمد آن صحیفه به دست گرفت و اکنون ما داریم و از کل علوم از ماضی و مستقبل تا قیامت چه خواهد بود، خبر داریم و مخزون و محروس است پیش ما و هرگز به دست نااهل و ناجنس آلوده نگردد» (همان، ۳۳۹)

۱- نویسنده این روایت را از کتاب بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۱۴۸) و نیز رک: کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۱، ح ۶: ۳۰۳، ح ۱؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۶۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۱۷۲... نقل کرده، سند این روایت شبیه سند کلینی در کافی است که با پنج طریق به دست ما رسیده و بنا بر ضعف منصور بن یونس واقفی، (حلی، ۱۴۱۷: ۲۵۹؛ خویی، ۱۳۷۲: ۱۸/۳۵۳) محمد بن جمهور (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۷) و ابوالجارود (کشی، ۱۳۶۳: ۲/۴۹۵؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۶۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۰؛ خویی، ۱۳۷۲: ۲۱/۷۶) راوی اول روایت ضعیف است.

۲- طبق روایات دیگر امام حسین (ع) و دیعه‌های امامت را به طور مستقیم به امام سجاد (ع) سپرد، از این رو نیازی به واسطه‌گری کسی مانند فاطمه نبوده است. بر فرض وجود واسطه حضرت زینب (س) اولی به واسطه‌گری خواهد بود نه فاطمه که بنا بر آنچه گذشت در سنین نوجوانی به سر می‌برده است. البته مسعودی در اثبات الوصیه در روایتی حضرت زینب (س) را وصی امام دانسته است، (مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۷۲) در کافی روایات دیگری مبنی بر واسطه‌گری ام سلمه نسبت به سپردن و دایع امامت امام علی (ع) به امام حسن (ع) وجود دارد (کلینی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۷، ح ۳ و ۴؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۷) که با روایات دیگر که دلالت بر بدون واسطه بودن آن دارد متعارض است. (کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۹۷، ح ۱ و ۲) روایتی که وصیت امام حسین (ع) به حضرت زینب (س) را به جهت تقیه و حفظ امام سجاد (ع) از قتل توصیف کرده (مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۷۲) نیز قابل پذیرش نخواهد بود، چرا که بدون تردید این وصایا در خفا و نهان صورت گرفته، بنابراین

دلیلی برای تقیه وجود ندارد.

۳- روایتی صحیح‌السند در کفای که با سه طریق به دست ما رسیده دلالت بر این نکته دارد که امام حسین (ع) وصایای امامت را پیش از حرکت به سمت عراق به امام سجاد (ع) سپرد. در این روایت آمده است که امام باقر (ع) فرمود: چون امام حسین (ع) کشته شد، محمد بن حنفیه، شخصی را نزد علی بن حسین فرستاد که تقاضا کند با او در خلوت سخن گوید سپس [در خلوت] به آن حضرت چنین گفت: پسر برادرم! می‌دانی که رسول خدا (ص) وصیت و امامت را پس از خود به امیرالمؤمنین (ع) و بعد از او به امام حسن (ع) و بعد از او به امام حسین (ع) وا گذاشت و پدر شما کشته شد و وصیت هم نکرد، و من عموی شما و با پدر شما از یک ریشه‌ام و زاده علی (ع) هستم. من با این سن و سبقتی که بر شما دارم از شما که جوانید به امامت سزاوارترم، پس با من در امر وصیت و امامت منازعه و مجادله مکن. علی بن حسین (ع) به او فرمود: ای عموز خدا پروا کن و چیزی را که حق نداری ادعا مکن. من تو را موعظه می‌کنم که مبادا از جاهلان باشی، ای عمو! همانا پدرم (ص) پیش از آنکه رهسپار عراق شود به من وصیت فرمود و ساعتی پیش از شهادتش نسبت به آن با من عهد کرد و این سلاح رسول خدا (ص) است نزد من، متعرض این امر مشوک می‌ترسم عمرت کوتاه و حالت پریشان شود...^۱ روایتی دیگر با محتوای سپردن ودائع امامت به امام سجاد (ع) موجود است.^۲

۲. فرزندی سقط شده برای امام حسین (ع) به نام محسن

فرهاد میرزا می‌گوید: «یاقوت حموی در معجم البلدان آورده که در فربیی حلب، کوهی جوشن نام بود که معدن مس داشت، از آن روز که پرده‌گیان عصمت و طهارت را از آن جا عبور افتاد، آن کان تباہ گشت، چه، زنی از امام حمل داشت و در دامنه‌ی کوه، بار نهاد، از پیشه‌وران نان و آب خواست، مضایقت کردند و دشنام دادند. بدیشان نفرین کرد، سپس از آن کوه، کس سود ندید. جانب قبلی آن کوه مزاری معروف به مشهد السقط و مشهد

۱. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۵ و نیز، رک: صفار، پیشین، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۹، ح ۵.

الدَّكَّةَ باشد و آن سقط را نام محسن بن حسین (ع) بود.^۱

۱- همان طور که مؤلف نگاشته نخستین قائل این مطلب یاقوت حموی در معجم البلدان است،^۲ اما در منابع کهن فرزندی به نام محسن برای امام حسین (ع) ثبت نشده است. شیخ عباس قمی نیز بدان صحنه گذاشته و از سفر به شام و زیارت آن مکان سخن گفته^۳ و می نویسد: «صاحب نسمة السحرا از ابن طمی نقل کرده که در تاریخ حلب گفته که سیف الدولة تعمیر کرد مشهدی را که خارج حلب است به سبب آن که شبی دید نوری را در آن مکان هنگامی که در یکی از مناظر خود در حلب بود، پس چون صبح شد سوار شد به آنجا رفت و امر کرد آنجا را حفر کردند، پس یافت سنگی را که بر آن نوشته بود که این محسن بن حسین بن علی بن ابی طالب است، پس جمع کرد علویین و سادات را و از ایشان سؤال کرد. بعضی از ایشان گفتند که چون اهل بیت را اسیر کردند ایام یزید از حلب عبور می دادند یکی از زن های امام حسین (ع) سقط کرد بچه خود را، پس تعمیر کرد سیف الدوله آن را»^۴ مورخان در تعداد فرزندان امام حسین (ع) شش فرزند و برخی ده فرزند را ذکر کرده اند. شیخ مفید اولاد آن حضرت را این گونه نوشته «علی بن حسین اکبر، علی بن حسین اصغر، جعفر بن حسین، عبدالله بن حسین، سکینه و فاطمه»^۵ حسن محمد قمی نیز در تاریخ قم علی اکبر، علی اصغر، جعفر، عبدالله، سکینه و فاطمه و محمد را به عنوان اولاد امام حسین (ع) ذکر کرده است.^۶ سایر مورخان نیز تقریباً همین اسامی را ذکر کرده اند اما نامی از محسن نبرده اند. علی بن عیسی اربلی اولاد آن حضرت را ده عدد ذکر کرده است.^۷ اما در بین اسامی مذکور نام محسن یافت نمی شود. بعید نیست که علت عدم ذکر نام محسن در بین اولاد آن حضرت به علت سقط شدن این فرزند بعد از جریان

۱. معتمدالدولة، پیشین، ص ۴۰۹.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳. قمی، نفس المهموم، ص ۳۹۱، ۶۱۲؛ همو، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۹۶۵.

۴. همو، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۹۶۶.

۵. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۳۵.

۶. قمی، تاریخ قم، ص ۱۹۶.

۷. اربلی، پیشین، ج ۲، ص ۳۸.

عاشورا باشد، از این رومورخان چندان توجهی به ذکر نام این طفل نداشته‌اند.

۲- اما در این باره نکاتی نیاز به توجه است: بر فرض که فاصله‌ی روز عاشورا تا سقط محسن حدود یک ماه باشد، از این روانعقاد نطفه یا باید در مسیر راه صورت گرفته باشد که این امر از امام بعید است، یا باید در مکه و یا باید در مدینه انجام پذیرفته باشد که در این صورت سفر زنی باردار با مشقات و سختی‌هایی که در آن زمان همراه بوده اندکی موجه به نظر نمی‌رسد. دیگر این که هر زن بارداری که وقایع تلخ و سنگین عاشورا را دیده باشد بدون تردید فرزند سقط خواهد کرد، از این رو بعید است که این زن باردار که نه اسمی از او موجود است و نه گفتاری بیش از آنچه گذشت - با دیدن آن فجایع و سختی‌ها توانسته فرزند خود را نگه دارد، مگر آن که گفته شود تقدیر خداوند بر آن بود که این طفل در روز عاشورا از دنیا نرود.

۳- بر فرض صحت خبری که در منابع متقدم وجود ندارد، احتمالاً این زن باردار همسر یکی از اصحاب امام بوده است و چون فرزند او منتسب به روز عاشورا بوده، او را فرزند امام خوانده‌اند. به همین خاطر از روی سنگ نوشته‌ای که فردی آن را دیده، نمی‌توان فرزندی برای امام دانست.

۳. انتقال سر امام حسین (ع) به عسقلان و قاهره، سال‌ها پس از دفن

مؤلف قمقام زخار به نقل از مقریزی که گویا این قول را پذیرفته، می‌نویسد: «چون سر مقدس را از ضریح عسقلان به درآوردند، هنوز بدن خون تازه بود، و بوی مشک اذفر از آن فائح بو، استاد مکنون با طایفه‌ای از خدم و حشم با شرائط احترام سر را آورده و در کافری بنهادند، سپس به سرداب قصر زمره حمل داده و در قبة الدیلم به باب دهلیز الخدمة دفن کردند، عادت چنان بود که هر کس بدان جای رفتی، در برابر آن مشهد زمین خدمت بوسیده بگذشتی و چون روز عاشورا برآمدی، به مراسم عزا و اقامت نمودندی و شتران و گاون و گوسپندان بکشتندی...»^۱

در این باره گزارش‌ها متفاوت است. برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که گروهی از

۱. معتمدالدولة، پیشین، ص ۴۵۰.

اهل عسقلان نزد یزید بودند و از وی درخواست کردند تا سرنزد آنان دفن شود و یزید سر را به آنان داده، آنان آن را در شهرشان دفن کرده و بر آن بارگاهی ساختند و این در زمان عضد الدوله صورت گرفت.^۱ اما بر اساس گزارش دیگری، شخصی در عصر خلافت مستنصر بالله - یکی از خلفای فاطمی - و وزارت بدر جمالی در خواب دید که سر امام در عسقلان است و در خواب برایش محل آن مشخص شد. او آنجا را نبش کرد و بدر جمالی بارگاهی برای آن ساخت.^۲ انتقال سربه این شهرها به سبب عدم قدمت آن و اختلاف در زمان و سبب دفن سر در عسقلان و به طور کلی مخالفت آن با اقوال دیگر و نیز عدم وجود قراین و شواهدی در تأیید آن، غیر معتبر و مردود است، چنان که برخی از محققان معاصر نیز این قول را با دلایلی رد کرده‌اند.^۳ نظرات مختلفی در این باره داده شده که نیازی به طرح آن نیست.^۴ در نقد ورد این قول، باید گفت که به نظرمی رسد خلفای فاطمی چنین ادعایی طرح کردند تا ادعای خود مبنی بر انتسابشان به فرزندان فاطمه را ترویج کنند، چنان که برخی از مورخان اهل سنت نیز به این نکته اشاره کرده‌اند.^۵ به علاوه چنان که پیشتر مفصل گذشت این گزارش‌ها با گزارش مشهور و متقدم تر سازگاری ندارد.

۳. مطالب تحریفی دیگر

۱. تأویل «کهیعض» به امام حسین (ع) و قاتلانش: موجود در فرائد السمطين^۶

۲. اخبار امام علی (ع) از واقعه‌ی کربلا و جسد امام حسین (ع) بر روی استخوان

۱. محمد بن علی عمرانی، الإنباء فی أخبار الخلفاء، (تحقیق: قاسم سامری، قاهره: دار الآفاق العربیة، ۱۴۲۱ ق)، ص ۵۴.

۲. نویری، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۰۰.

۳. قاضی طباطبایی، پیشین، ص ۳۱۶ به بعد.

۴. حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۴۲؛ سبط بن جوزی، پیشین، ص ۲۰۹؛ ابن نما، مثير الأحزان، ص ۱۰۷؛ نویری، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۰۰؛ صفدی، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۶۴.

۵. ابن کثیر، پیشین، ج ۸، ص ۱۶۱؛ قاضی طباطبایی، پیشین، ص ۳۰۶ به بعد؛ برای مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی این اقوال رک: زنجبیر، "پژوهشی درباره فرجام و محل دفن سر مطهر امام حسین (ع) و سرهای دیگر شهدا"، پیشین، ص ۸۶-۸۷.

۶. معتمد الدولة، پیشین، ص ۵۷.

۷. حموی، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۱.

- شتر: ^۱ موجود در شرح الأخبار قاضی نعمان: وی روایت را بر روی استخوان الاغ به تصویر کشیده است.^۲
۳. هند همسر یزید و پیش از او همسر امام حسین (ع): ^۳ موجود در بحار الأنوار^۴
۴. خواب امام به هنگام حرکت از مدینه: ^۵ موجود در الفتوح ابن اعثم^۶
۵. وصیت امام حسین (ع) به محمد بن حنفیه و اصلاح طلبی امام: ^۷ موجود در الفتوح ابن اعثم کوفی^۸
۶. ام سلمه و شیشه‌ی تربت امام حسین (ع) و علم به جزئیات شهادت: ^۹ موجود در الهدایة الکبریٰ خصیبی^{۱۰}
۷. نوحه سرایی جتیان در عزای حسین بن علی (ع): ^{۱۱} به بخش مربوط به این موضوع موضوع مراجعه شود.
۸. تبدیل عمره‌ی تمتع به عمره‌ی مفرده^{۱۲} فرهاد میرزا در موضعی دیگر روایتی مخالف آن دارد که تبیین می‌کند امام در ماه ذی حجه قصد گزاردن حج نداشته و از ابتدا به قصد عمره به مکه وارد شد: ^{۱۳} موجود در الإرشاد شیخ مفید^۱
-
۱. همان، ص ۷۰؛ در منابع دیگر مانند شرح الأخبار که گویا درباره‌ی این گزارش، نخستین منبع است، استخوان الاغ را ذکر کرده است.
۲. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۳۸.
۳. همان، ص ۱۶۰. ۱۶۵ [تحت عنوان: عشق یزید به زن عبدالله بن سلام] فرهاد میرزا بخشی را از الإمامة و السياسة نقل کرده است.
۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۴۳.
۵. همان، ص ۱۹۷.
۶. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵ ص ۱۹، همو، ترجمه‌ی الفتوح، ص ۸۳۱.
۷. همان، ص ۱۹۹.
۸. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۲۱.
۹. همان، ص ۲۰۰. ۲۰۱.
۱۰. خصیبی، پیشین، ص ۲۰۲. ۲۰۴.
۱۱. همان، ص ۲۰۱، ۳۷۲. ۳۷۷.
۱۲. همان، ص ۲۰۲.
۱۳. همان، ص ۲۴۰.

۹. ملاقات گروهی از ملائکه و جتّیان با امام حسین (ع) در مدینه: ^۲ موجود در الهدایة الکبریٰ خصیبی ^۳
۱۰. مسلم خواستار معافیت از سفارت و فال اندیشی وی (به فال بد گرفتن ادامه‌ی مسیر: ^۴ موجود در الأخبار الطوال دینوری ^۵
۱۱. یزید بن مسعود نهشلی و مردم بصره: ^۶ به بخش مثیر الأحزان مراجعه شود.
۱۲. مصادره‌ی اموال کاروان یمنی در تنعیم: ^۷ موجود در أنساب الأشراف بلاذری ^۸
۱۳. نوحه‌ی جتّیان بر امام حسین (ع) (حدیث ششم معجم کبیر طبرانی به نقل از عمرو بن ثابت: أَلَا يَا عَيْنُ فَأَنْهَمِلِي بِجَهْدٍ * فَمَنْ يَبْكِي عَلَي الشُّهَدَاءِ بَعْدِي * عَلَي رَهْطٍ تَقُودُهُمُ الْمَنَايَا * إِلَى مُتَجَبِّرٍ فِي مَلِكِ عَبْدِ: ^۹ موجود در المعجم الكبیر طبرانی ^{۱۰}
۱۴. عثمانی بودن زهیر بن قین: ^{۱۱} موجود در أنساب الأشراف بلاذری ^{۱۲}
۱۵. پیوستن حرّبه سپاه امام به خاطر ندادن سه باره هاتف: ^{۱۳} موجود در روضة الشهداء ^{۱۴}

۱. همو، الإرشاد، ج ۲، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۲۰۳.

۳. خصیبی، پیشین، ص ۲۰۶-۲۰۷.

۴. همان، ص ۲۰۹.

۵. دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۳۰.

۶. همان، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۷. همان، ص ۲۴۶.

۸. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۶۴.

۹. همان، ص ۲۵۲، ۳۷۳.

۱۰. طبرانی، المعجم الكبیر، ج ۳، ص ۱۲۲.

۱۱. همان، ص ۲۵۳.

۱۲. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۶۸.

۱۳. همان، ۲۵۶. شبیه به این مطلب در مقتل کاشفی گذشت که پیوستن حرّبه سپاه امام به خاطر خواب پدر وی بود.

۱۴. همان، ص ۲۷۸.

۱۶. تردید فرزند امام حسین (ع) برای پیشروی و ادامه‌ی نهضت: ^۱ موجود در تاریخ طبری ^۲
۱۷. کندن چاه در کربلا توسط امام برای رفع تشنگی: ^۳ موجود در الفتوح ابن اعثم کوفی ^۴
۱۸. درخواست کمک از طایفه‌ی بنی‌اسد: ^۵ موجود در أنساب الأشراف بلاذری ^۶
۱۹. ذلت‌پذیری امام با پیشنهاد پذیرش یکی از مفاد سه‌گانه: ^۷ موجود در تاریخ طبری ^۸
۲۰. درخواست امام برای به تأخیر انداختن یک روزه‌ی جنگ: ^۹ موجود در الطبقات الکبری ابن سعد ^{۱۰}
۲۱. مخیر ساختن امام میان پیروزی بردشمن یا شهادت: ^{۱۱} به بخش روضة الشهداء مراجعه شود.
۲۲. مددخواهی امام با عبارت «أما من مغيث يغيثنا و...»: ^{۱۲} به بخش الفتوح مراجعه شود.
۲۳. اغراق در کشتن دشمنان توسط سپاه امام حسین (ع): ^{۱۳} حرّ بن یزید: چهل نفر، ^{۱۴}

۱. همان، ص ۲۶۶.

۲. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۰۷. ۴۰۸.

۳. همان، ص ۲۷۳.

۴. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۹۱. ۹۲، همو، ترجمه الفتوح، ص ۸۹۳.

۵. همان، ص ۲۷۴.

۶. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۸۰.

۷. همان، ص ۲۷۵. ۲۷۶.

۸. طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۸۹، ۳۹۲، ۴۱۳، ۴۲۷.

۹. همان، ص ۲۷۹.

۱۰. ابن سعد، الطبقات الکبری، خامسة ۱، ص ۴۶۶؛ همو، ترجمة الإمام الحسين (ع) من طبقات ابن سعد، ص ۷۰.

۱۱. همان، ص ۲۹۸. این مطلب در أسرار الشهادة با عنوان نزول صحیفه‌ای از آسمان پس از استغاثه‌ی امام آمده است.

۱۲. همان، ص ۲۹۹، ۳۳۷.

۱۳. همان، ص ۳۰۷.

۱۴. همان، ص ۳۰۷.

زهیر بن قین: صد و بیست نفر،^۱ انیس بن معقل: بیست و چهار نفر،^۲ ابراهیم بن حصین: هشتاد و چهار نفر،^۳ علی اکبر (ع): دویست نفر،^۴ قاسم بن حسن (ع): سی و پنج تن،^۵ عباس بن علی (ع): هشتاد نفر؛^۶ به بخش مربوط به امالی شیخ صدوق مراجعه شود.

۲۴. زیارتی با محتوای روز عاشورا به نام ناحیه‌ی مقدسه:^۷ به بخش بحار الأنوار مراجعه شود.

۲۵. مکیدن زبان و انگشتر امام حسین (ع) توسط علی اکبر (ع):^۸ موجود در بحار الأنوار^۹

۲۶. توصیفی از حضرت عباس (ع) و قمر بنی هاشم خواندن او:^{۱۰} موجود در مقاتل الطالبیین^{۱۱}

۲۷. آمدن امام به بالین حضرت عباس (ع) و عبارت «الآن إنکسر ظهري وانقطع رجائی»: ^{۱۲} به بخش الفتوح مراجعه شود.

۲۸. نوحه سرایی امّ البنین در بقیع و گریستن مروان بن حکم:^{۱۳} موجود در مقاتل الطالبیین^{۱۴}

۱. همان، ص ۳۰۸.

۲. همان، ص ۳۲۰.

۳. همان، ص ۳۲۰.

۴. همان، ص ۳۲۵.

۵. همان، ص ۳۲۸.

۶. همان، ص ۳۳۵.

۷. همان، ص ۳۱۳، ۳۲۳.

۸. همان، ص ۳۲۴.

۹. همان، ج ۴۵، ص ۴۳.

۱۰. همان، ص ۳۳۳.

۱۱. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۹۰.

۱۲. همان، ص ۳۳۴.

۱۳. همان، ص ۳۳۵.

۱۴. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۹۰.

۲۹. سیاه شدن چهره‌ی حرمله بن کاهل: ^۱ موجود در تذکرة الخواص ^۲
۳۰. وداع امام حسین (ع) با اهل خيام به سبک زبان حال: ^۳ موجود در المنتخب طریحی ^۴
۳۱. درخواست آوردن پیراهنی کهنه برای امام: ^۵ فرهاد میرزا این مطلب را از قول شیخ مفید و ابن اثیر نقل کرده در حالی که با مراجعه به این منابع چنین گزارشی یافت نمی‌شود: ^۶ موجود در المنتخب طریحی ^۷
۳۲. نام بردار شدن «عبدالله رضیع [شیرخواره]» به «علی اصغر» و طلب آب برای سیراب ساختن کودک: ^۸ به بخش الفتوح مراجعه شود
۳۳. حفر قبری برای کودک شیرخواره: ^۹ به بخش الفتوح مراجعه شود.
۳۴. سپردن ودائع امامت به فاطمه بنت الحسین (ع): ^{۱۰} موجود در ناسخ التواریخ ^{۱۱}
۳۵. اصابت تیرمحدّد مسموم سه شعبه به قلب امام و جملات گفته شده از زبان ایشان: ^{۱۲} موجود در مثیر الأحزان ابن نما ^{۱۳}
۳۶. زدن دوازده ضربه به بدن امام و جدا ساختن سر ایشان توسط سنان بن انس ^{۱۴} در بحار الأنوار همین روایت به شمرنسبت داده شده که گذشت: موجود در بحار

۱. همان، ص ۳۳۶.

۲. سبط بن جوزی، پیشین، ص ۲۵۳.

۳. همان، ص ۳۳۸. [با عباراتی مانند یا سکینه یا فاطمه یا زینب یا ام کلثوم علیکمّ متی السلام]

۴. المنتخب طریحی، ص ۴۴۰.

۵. همان، ص ۳۴۲.

۶. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۱؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۷۷.

۷. دربندی، پیشین، ج ۳، ص ۸.

۸. معتمد الدولة، پیشین، ص ۳۴۲.

۹. همان، ص ۳۴۳.

۱۰. همان، ص ۳۳۹.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۳۶۲.

۱۲. همان، ۳۴۶-۳۴۸.

۱۳. ابن نما، مثیر الأحزان، ص ۷۳.

۱۴. همان، ص ۳۴۸.

الأَنْوَارُ

۳۷. وزیدن باد سرخ پس از کشته شدن امام حسین (ع):^۲ موجود در الطبقات الكبرى

ابن سعد^۳

۳۸. تیره و تار شدن آسمان و قابل رؤیت بودن ستارگان در روز: ^۴ به بخش های متعدد

روایات غیر طبیعی پس از شهادت امام مراجعه شود.

۳۹. بریده شدن گوش ام کلثوم: ^۵ موجود در مناقب ابن شهر آشوب^۶

۴۰. خط و نشان حجاج بن یوسف برای قاتل امام حسین (ع): ^۷ موجود در المعجم

الكبير طبرانی^۸

۴۱. بریدن سر امام از قفا: ^۹ موجود در مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب^{۱۰}

۴۲. بی تابی و جزع و فزع امام سجاد (ع) در مصیبت از دست دادن پدر و آرام کردنشان

توسط حضرت زینب (س): ^{۱۱} موجود در بحار الأنوار^{۱۲}

۴۳. دفن بدن امام و دیگر اصحاب در روز یازدهم توسط بنی اسد: ^{۱۳} موجود در

الطبقات الكبرى ابن سعد^{۱۴}

۱. همان، ج ۴۵، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۳۵۰.

۳. ابن سعد، الطبقات الكبرى، خامسة ۱، ص ۵۰۵-۵۰۹؛ همو، ترجمة الإمام الحسين (ع) من طبقات ابن

سعد، ص ۸۹-۹۱.

۴. همان، ص ۳۵۱.

۵. همان، ص ۳۵۳.

۶. همان، ج ۴، ص ۱۱۲.

۷. همان، ص ۳۵۵.

۸. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ همو، مقتل الحسين بن علی بن ابی طالب (ع)، ص ۵۲.

۹. همان، ص ۳۵۶.

۱۰. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۴، ص ۱۱۳.

۱۱. همان، ص ۳۵۷.

۱۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹-۱۸۴.

۱۳. همان، ص ۳۵۹.

۱۴. ر.ک: به بخش الطبقات الكبرى ابن سعد.

۴۴. شنیده شدن صدای هاتفی از آسمان در مدینه: ^۱ به بخش مربوط به حوادث غیر طبیعی مراجعه شود.
۴۵. فرار دو پسر جعفر طیار یا طفلان مسلم از اردوگاه ابن زیاد: ^۲ موجود در مقتل الحسین الحسین (ع) خوارزمی ^۳
۴۶. بیست و یک نفر شهدای اهل بیت: ^۴ به بخش المعجم الکبیر طبرانی ^۵ مراجعه شود.
۴۷. جوشش خون تازه از زیر سنگ بیت المقدس: ^۶ به بخش مربوط به حوادث غیر طبیعی مراجعه شود.
۴۸. حک شدن اشعاری خونین رنگ بر روی دیوارها به صورت خودنوشت: ^۷ موجود در المعجم الکبیر طبرانی ^۸
۴۹. باریدن خون تازه از آسمان: ^۹ به بخش مربوط به حوادث غیر طبیعی مراجعه شود.
۵۰. سرخ‌رنگ بودن آفاق آسمان: ^{۱۰} به بخش مربوط به حوادث غیر طبیعی مراجعه شود.
۵۱. گریستن خونین آسمان بر شهادت امام حسین (ع): ^{۱۱} به بخش مربوط به حوادث غیر طبیعی مراجعه شود.

۱. همان، ص ۳۶۰.

۲. همان، ص ۳۶۰. ۳۶۱.

۳. خوارزمی، مقتل الحسین (ع)، ج ۲، ص ۵۴. ۵۸.

۴. همان، ص ۳۶۴.

۵. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۹؛ همو، مقتل الحسین بن علی بن ابی طالب (ع)، ص ۳۹.

۶. همان، ص ۳۶۶. ۳۶۷.

۷. همان، ص ۳۶۷، ۴۰۴.

۸. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۲۳.

۹. همان.

۱۰. همان، ص ۳۶۸.

۱۱. همان، ص ۳۶۹.

۵۲. روایت میثم و علم او به جزئیات شهادت امام حسین (ع):^۱ موجود در الأمالی صدوق^۲
۵۳. پدیدار شدن خورشید بر روی دیوارها به صورت ملحفه‌های رنگین:^۳ به بخش مربوط به حوادث غیرطبیعی مراجعه شود.
۵۴. نوحه‌ی جنیان بر امام حسین (ع): مسح الرسول جبینہ...^۴ به بخش المعجم الکبیر طبرانی مراجعه شود.
۵۵. شنیده شدن صدای منادی در آسمان: «ای قاتلان ظالم حسین! شما را بشارت به عذاب...»^۵ موجود در الفتوح ابن اعثم کوفی^۶
۵۶. سوار شدن زنان و کودکان بر شتران بی‌جهاز:^۷ موجود در لهوف ابن طاووس^۸
۵۷. پوشیده شدن زنان اهل بیت توسط زنی از کوفیان:^۹ موجود در لهوف ابن طاووس^{۱۰}
۵۸. سوراخ شدن ران ابن زیاد:^{۱۱} به بخش روضة الشهداء مراجعه شود.
۵۹. تلاوت آیه‌ای از قرآن توسط سرب‌ی بدن امام حسین (ع) بر روی نیزه:^{۱۲} موجود در الإرشاد شیخ مفید^{۱۳}

۱. همان، ص ۳۷۱.

۲. همان، ص ۱۲۶. ۱۲۸.

۳. همان، ص ۳۷۱.

۴. همان، ص ۳۷۳.

۵. همان، ص ۳۷۵.

۶. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۳۴.

۷. همان، ص ۳۷۷، ۳۸۹.

۸. ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۴۲. ۱۴۳.

۹. همان، ص ۳۷۷.

۱۰. ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۴۴.

۱۱. همان، ص ۳۹۱.

۱۲. همان، ص ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۱۰، ۴۷۳.

۱۳. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۷.

۶۰. غل جامعه بر بدن امام سجاد (ع):^۱ موجود در أسرار الشهادة^۲
۶۱. اظهار پیشیمانی یزید بر قتل امام حسین (ع):^۳ موجود در الطبقات الكبرى ابن سعد^۴
۶۲. اشعار موجود بر روی سنگ‌های کنیسه‌ها پیش از بعثت پیامبر با مضمون خیر از شهادت امام حسین (ع):^۵ موجود در المعجم الكبير طبرانی^۶
۶۳. داستان راهب قنسرین:^۷ موجود در مناقب آل ابی طالب (ع)^۸
۶۴. روایت فردی در مورد مردی که به کعبه پناه برده و از افرادی بود که سر امام حسین (ع) را با پنجاه نفر برای یزید بردند که در طی مسیر مکاشفه‌ای به او دست داد و پیامبر (ص) برای او طلب مغفرت نکرد:^۹ به بخش الهدایة الكبرى و شرح الأخبار مراجعه شود.
۶۵. طی منازل مختلف از کوفه تا دمشق [به نقل از کامل بهایی و مقتل منسوب به ابومخنف]^{۱۰}
۶۶. خواهش و تحویل اندکی پول به شخصی از سوی ام کلثوم تا سرها را پیشاپیش ببرند:^{۱۱} موجود در مناقب ابن شهر آشوب^۱

۱. همان، ص ۴۰۳، ۴۱۰، ۴۱۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۷۳.

۳. همان، ص ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۲۱.

۴. ابن سعد، الطبقات الكبرى، خامسة ۱، ص ۴۸۶؛ همو، ترجمة الإمام الحسين (ع) من طبقات ابن سعد، ص ۸۲.

۵. همان، ص ۴۰۵.

۶. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۲۴.

۷. همان.

۸. همان، ج ۴، ص ۶۰.

۹. همان، ص ۴۰۶.

۱۰. همان، ص ۴۰۷-۴۱۰.

۱۱. همان، ص ۴۱۰.

۶۷. رقص و پای کوبی شهرشام به مناسبت ورود کاروان اهل بیت: ^۲ موجود در کامل بهایی ^۳
۶۸. هدایت یافتن یزید و معاویه در مشاجره‌ی حضرت زینب (س) و یزید: ^۴ موجود در تاریخ طبری ^۵
۶۹. مشاجره‌ی قیصرروم با یزید و احترام به سم الاغ حضرت عیسی ^۶ [چنانکه گذشت در منابع پیشین مشاجره‌ی سفیرروم ذکر شده نه قیصر]: موجود در مثير الأحزان ابن نما ^۷
۷۰. خطبه‌ی امام سجاد (ع) در مسجد دمشق: ^۸ موجود در الفتوح ابن اعثم کوفی ^۹
۷۱. خواب سکینه در کاخ یزید: ^{۱۰} موجود در أسرار الشهادة دربندی ^{۱۱}
۷۲. درخواست یزید از علی بن حسین (ع) و عمر بن حسن (ع) مبنی بر کشتی گرفتن با پسرش خالد: ^{۱۲} به بخش تاریخ طبری مراجعه شود.
۷۳. درخواست امام سجاد (ع) از یزید برگذاردن سرپرستی برای اهل بیت از فاصله‌ی شام تا مدینه: ^{۱۳} موجود در لهوف ابن طاووس ^۱

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۴، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۴۱۲.

۳. همان، ص ۶۳۶.

۴. همان، ص ۴۲۳.

۵. طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۶۱-۴۶۲.

۶. همان، ص ۴۲۴.

۷. همان، ص ۱۰۳-۱۰۴.

۸. همان، ص ۴۲۷.

۹. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۳۲-۱۳۳.

۱۰. همان، ص ۴۳۰-۴۳۱.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۶۲۷؛ جزائری، الأنوار النعمانية، ج ۳، ص ۱۷۸-۱۷۹.

۱۲. همان، ص ۴۳۳، ۴۹۹.

۱۳. همان.

۷۴. بشیر حامل خبر شهادت امام حسین (ع) به اهل مدینه: ^۲ موجود در مثير الأحزان ^۳
۷۵. حضور فاطمه بنت علی در کربلا: ^۴ به بخش تاریخ طبری مراجعه شود.
۷۶. کور شدن شاهد قتل امام توسط پیامبر (ص): ^۵ به بخش شرح الأخبار مراجعه شود.
۷۷. خاکستریا مبدل به آتش شدن طلای دختر امام حسین (ع): ^۶ به بخش مربوط به حوادث غیر طبیعی مراجعه شود.
۷۸. سوختن دست‌ها و صورت‌های زنان به خاطر زعفران‌های ربوده شده از خیمه‌ی امام: ^۷ به بخش مربوط به حوادث غیر طبیعی مراجعه شود.
۷۹. استفاده‌ی زنان از ورس‌های ربوده شده از خیمه‌ی حسین (ع) و مبتلا به برص: ^۸ به بخش مربوط به حوادث غیر طبیعی مراجعه شود.
۸۰. حضور امام باقر (ع) در کربلا و بیست و سه ساله بودن امام سجاد (ع): ^۹ موجود در الأخبار الطوال دینوری ^{۱۰}

نتیجه

۱- قمقام زخار و صمصام بئاریکی از منابع جامعی است که با توجه به وضع بغرنج شیعه نسبت به نگاشتن مقاتل امام حسین (ع) در قرن دهم تا چهاردهم توسط فرهاد میرزا یکی از تأثیرگذاران مهم در سلسله‌ی قاجاریه به تحریر درآمد. استفاده‌ی فرهاد میرزا از

۱. ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۹۴. ۱۹۵.

۲. همان، ص ۴۳۵.

۳. ابن نما، مثير الأحزان، ص ۱۱۲.

۴. همان، ص ۴۳۹.

۵. همان، ص ۴۶۹.

۶. همان.

۷. همان.

۸. همان.

۹. همان، ص ۴۹۴.

۱۰. ر.ک: بخش دینوری و اختلافات نقل‌های مربوط به آن.

منابع کهن و جامع شیعی مانند الإرشاد ولهوف سبب شده است کتاب قمقام زخار به عنوان کتابی تاریخی و تا حدی تحلیلی جلوه پیدا کند تا کتابی که در زمره‌ی مناقب قرار گیرد، گرچه در مواردی به فضائل و مناقب اهل بیت اشاراتی جزئی دارد، اما با توجه به روحیه‌ی سیاست مدارانه‌ی نویسنده می‌توان سبک نوشتاری او را با دیگر شیعیانی که با اندیشه‌ی ایجاد احساس شور و عاطفه به تألیف مقاتل مشغول شدند جدا ساخت، زیرا - چنان که در مقدمه متذکر شده - وی با هدف اولاً ذخیره‌ای برای آخرت خویش و ثانیاً برای تجمیع اقوال مختلف در این زمینه به نگارش کتاب پرداخته است.

۲. حشو و زائدات بی‌شمار در تاریخ شهادت امام حسین (ع) و نبود منبعی جامع و به دور از اخبار غیر معتمد و بدون سند سبب شده تا اهتمام فرهاد میرزا را به نگاشتن کتابی این چنین وادار سازد. در دسترس بودن منابع متعدد و علاقه‌ی بی‌حد نویسنده انگیزه‌ی او را در تألیف این اثر دوچندان ساخته است. ارادت و علاقه‌ی بی‌شمار وی به خاندان اهل بیت سبب نشده تا او مانند کسانی مثل کاشفی، دربندی و... به نقل اخبار بحث برانگیز بپردازد و جانب تحقیق در این زمینه را فراموش نکرده و با تحلیل‌های متعدد نسبت به منابع هر گزارشی، سعی خود را بر ارائه‌ی مطلبی معقول و متناسب با اخبار معتبر و معتمد مصروف داشته است.

۳. گرچه نگاه وی به عاشورا فراتاریخی و فراطبیعی است و جنبه‌ی اصلاحی آن را در نظر خود مجسم کرده، اما روایات مورد توجه او نیز همچون محدثان قرن چهارم و پنجم وابسته به عقاید آن‌ها شکل گرفته است. رویکردی که به واقعه‌ی عاشورا نیز داشته رویکردی عاقلانه و درخور تمجید است، گویا وی تشیع خود را برخاسته از معقول‌نگرانی مانند شیخ مفید و... گرفته و به هر مطلبی که حاکی مناقب و فضائل است نگاهی نقدآمیز داشته است. با این حال کتاب وی، از مواردی مشکوک تحریفی هم چون منابع پیشین مصون نیست. بعد نگرستن غیرطبیعی به عاشورا از سوی فرهاد میرزا مانند دیگر مورخان و محدثان شیعی سبب شده اخباری غیرمعقول را به نقل از دیگر منابع در اثر خود گرد آورد و علی‌رغم دیدگاه نقادش از نقد آن روی گرداند.

منابع

- ابن غضائری، احمد بن حسین واسطی بغدادی (١٣٦٤)، الرجال، تحقیق: محمد رضا حسینی، قم: دارالحديث.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (١٣٧٩)، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: علامه.
- اربلی، علی بن عیسی (١٣٨١)، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
- امین عاملی، سید محسن (١٤٠٣)، أعيان الشيعة، تحقیق سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (١٤١٧)، خلاصة الأقوال. تحقیق: جواد قیومی، مؤسسة نشر الفقاهة.
- حموی، ابو عبد الله یاقوت (١٩٩٥)، معجم البلدان، بیروت: دارصادر.
- خوبی، سید ابوالقاسم (١٣٧٢) معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة. قم: مرکز نشر الثقافة الإسلامية.
- رحمان ستایش، محمد کاظم و رفعت، محسن (١٣٨٩)، «روایات عاشورایی الفتوح ابن اعثم کوفی در میزان نقد و بررسی»، حدیث پژوهی، شماره ٣.
- رحیمی، عبدالرفیع (١٣٨٣)، قم مقام زخار در تاریخ واقعه کربلا، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اردیبهشت.
- صدوق، علی بن حسین بن بابویه (١٤٠٤) الإمامة والتبصرة من الحيرة، تحقیق: و چاپ: قم: مدرسه امام مهدی (عج).
- صفار، محمد بن حسن، (١٤٠٤)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، تحقیق: محسن بن عباس علی کوچه باغی، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- طبرسی، فضل بن حسن (١٣٩٠)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه.
- طهرانی، آقابزرگ (١٤٠٣)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت: دارالأضواء.
- عمرانی، محمد بن علی (١٤٢١)، الإنباء فی أخبار الخلفاء، (تحقیق: قاسم سامرایی،

قاهره: دارالآفاق العربية.

- قمى، حسن بن محمد بن حسن (١٣٦١). تاريخ قم. ترجمه: حسن بن على بن حسن عبد الملك قمى، تحقيق: سيد جلال الدين تهرانى، تهران: توس.
- قمى، عباس (١٣٧٩)، منتهى الآمال فى تواريخ النبى والآل عليهم السلام، قم: دليل.
- (١٤٢١)، نفس المهموم فى مصيبة سيدنا الحسين المظلوم. نجف: المكتبة الحيدرية.
- كشى، محمد بن عمر (١٣٦٣)، رجال الكشى، تحقيق: مهدي رجايى، قم: مؤسسة آل البيت.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٨٨)، الكافى، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- مدرس، ميرزا محمد على (١٣٦٩)، ریحانة الادب فى تراجم المعروفين بالكنية و اللقب. تهران: خيام.
- مسعودى، على بن حسين (١٤٢٦)، اثبات الوصية. قم: انصاريان.
- معتمد الدولة، حاجى فرهاد ميرزا (١٣٩١). قمقام زخار و صمصام بنار، تلخيص: غلامحسين انصارى، تهران: شركت چاپ و نشر بين الملل.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى (١٤١٣)، الارشاد، تحقيق مؤسسة آل البيت، قم: كنگره شيخ مفيد.
- نجاشى، احمد بن على (١٣٦٥)، رجال النجاشى. قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعه لجامعة المدرسين.
- نويرى، شهاب الدين (١٤٢٣ ق) نهاية الأرب فى فنون الأدب، قاهرة: دار الكتب و الوثائق القومية.

